

۱	معنی کلمات زیر را بنویسید. بنداخت: تعالی: ربیع: شکوه: چاک چاک: صواب: خان: هلاک: خَمّ کمند: مَلِک:
۲	معنی ابیات و جملات زیر را بنویسید. هر گل و برگی که هست، یاد خدا می کند بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود، خون از برش آفریدگار را ببايد پرستیدن و بر نعمت او سپاس داری باید کردن.
۳	با توجه به درس معرفت آفریدگار، برداشت شما از « برگ درختان سبز در نظر هوشیار هرورقش دفتریست معرفت کردگار » چیست؟
۴	منظور از بیت « کم گوی و گزیده گوی چون دُر تا ز اندک تو جهان شود پر » چیست؟
۵	منظور از « هفت خان گذشتن » چیست؟
۶	در پایان هر جمله علامت مناسب بگذارید. (. ؟ !) باد بهاری وزید چرا کتاب‌هایت را نمی‌خوانی به به، عجب هوای خوبی
۷	در جمله های زیر نهاد و فعل را مشخص کنید. علی کتاب را از روی میز برداشت و به سر ابوالفضل کوبید. پروانه روی گل‌های زیبای شقایق نشست.
۸	مشخص کنید هر یک از کلمات زیر از چند هجا تشکیل شده است. زنبور () ، کتابخانه () ، دلداری () ، رفت ()
۹	هر کدام از کلمات زیر را توضیح دهید و برای هر کدام یک مثال بزنید. کنایه: مبالغه:
۱۰	کدام یک از عبارات زیر منادا نمی باشد؟ ای وطن! یا ربّ! عطر گلها جاودان باشی و سرافراز.
۱۱	هر کدام از علایم نگارشی زیر چه کاربردی دارند برای هر کدام یک مثال بزنید. درنگ نما(،): علامت سوال(؟): دو نقطه(:):

۱۲	برای هر کدام از کلمات زیر سه هم خانواده بنویسید. معلوم: حافظ:
۱۳	مفرد یا جمع بودن کلمات زیر را مشخص کنید. ستارگان: دانش آموز: کتابها: گلدان: معلّمان: گله:
۱۴	از روی شعر « سخن » با خط زیبا و خوانا بنویسید.

۱- بنداخت: انداخت تعالی: بلند مرتبه چاک چاک: پاره پاره خن: مرده
ختم کند: گره و پیچ طناب ربیع: بهار شکوه: غلظت صواب: سبب
هلاک: نابودی ملک: پادشاه

۲- هر گلی و برگی که هست، یاد خدا می کند بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار

شرکلی و هر برگی که در دنیا هست خداوند را یاد می کند و از او سپاس گذاری ^{شکرگزاری} می کند بلبل و قمری چه می خوانند؟ یاد خداوندگار

بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت چو رود، خون از برش

(ستم با شمشیر سرش را از تنش جدا کرد و خون مانند رود از دها جاری شد.)

آفریدگار را بیا یاد پرستین و بر نعمت او سپاس داری باید کردن.

آفریدگار را باید پرستی و از نعمت الهی که به ما داده است سپاس گذاری کرد.

۳- یعنی هر چیز در دنیا حتی یک برگ سبز درخت به قدری است برای شناسن خداوند

۴- منظور این است کم تر خرف بن و افا گزیده و درست فرز بن نامانند هر وارید که چون کعبه است
ارزمنده است و همه به دنبال آن هستند همه به دنبال تو باشند.

۵- یعنی مراحل دشواری را پشت سر گذاشتن و به موفقیت رسیدن.

۶- یاد بهاری وزیده چرا کتاب هایت را نمی توانی؟ به به، عجب هوای نوی!

۷- علی کتاب را از روی میز برداشت و به سراغ الفضل کوید.
نهاد فعل فعل

پروانه روی گل های زیبای شقایق نشست.
نهاد فعل

۸- زنبور: ۲ بختی کتابخانه: ۴ بختی دلاری: ۳ بختی رفت: ۱ بختی

۹- کنایه: وقتی در باره ی مطلبی به طور غیر مستقیم صحبت می کنیم به آن کنایه می گویند که در مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده معنای دوران است. مثال:

مثال: آب در هاون کوبیدن — یعنی کار و پیوه انجام دادن

مبالغه: نگاه ستارگان و نویسنده گان برای تأثیر بیشتر به جمله آن را بزرگ تر از آنچه هست نشان می دهند. به این

گونه بزرگ نمایی مبالغه می گویند. مثال: زمینی زمین سده هم پاک پاک

۱۰- عطر گلها، جاودان باشی و سرافراز

۱۱- درنگ نیا (؟): متضاده ای است که برای تکست کوتاه پس جمله های عبارت ها و برای جدا کردن کلمه ها

استفاده می شود. مثال: درد استخوان های کهن ایرانی ها آری، دلاور فردی بود.

علامت سوال (؟): در پایان جمله های پرسشی و با برای نشان دادن شک و تردید می آید.

مثال: آیا تو در آزمون تیزهوشان شرکت می کنی؟

دو نقطه (:): برای توضیح دادن، نقل قول و معنی کردن کلمات به کار می رود.

خادم پرسیده: امروز در مدرسه چه کاری انجام دادید؟

۱۲- معلوم: علم، علوم، معلم حافظ: حفظ، محفوظ، حفاظ

۱۳- ستارگان: جمع دانشی آموز: فرد کتاب ها: جمع گلستان: فرد

معلمان: جمع گله: جمع

۱۴- با اینکه سفین به لطف آب است کم گفتن هر سفین، صواب است

آب از چه همه زلال فزید از خوردن پر ملال فزید

کم گوی و گزیده گوی چون در تازانک تو جهان شود پر

لا ف از سفین چو در توان زد آه فشت بود که به توان زد

یک دسته ای دماغ پرور از فرس هد کلاه، بهتر